

نگرشی بر موضوع و محتوای کتاب در باب اوقاف صفوی

(بخش دوم)
محمد حسین ریاحی^۱



چکیده:

بی شک یکی از ادوار مهم و مؤثر در تمدن ایرانی اسلامی، به ویژه رشد و توسعه تشیع امامیه در ایران، عصر صفویه است. اهتمام و اعتنا به موقوفات در این زمان بسیار قابل توجه است و این موضوع در ابعاد مختلف، به ویژه امور مذهبی، فرهنگی و اجتماعی محسوس و چشمگیر است. کتاب در باب اوقاف صفوی با ارائه مقالات متعدد بر آن بوده که گستردگی وقف را در این دوران متذکر شود؛ از این رو در مقالات دوازده گانه خود به توضیح موضوع پرداخته، در این زمینه، با استناد به منابع و متون تاریخی و اسناد به نتایجی دست یافته است. مقاله حاضر به تبیین و توضیح مطالب و محتوای اثر مذکور پرداخته است. در شماره پیشین، پس از مقدمه ای در توضیح اثر، به معرفی سه مقاله از آن پرداختیم و هم اکنون ادامه مباحث ارائه می گردد.

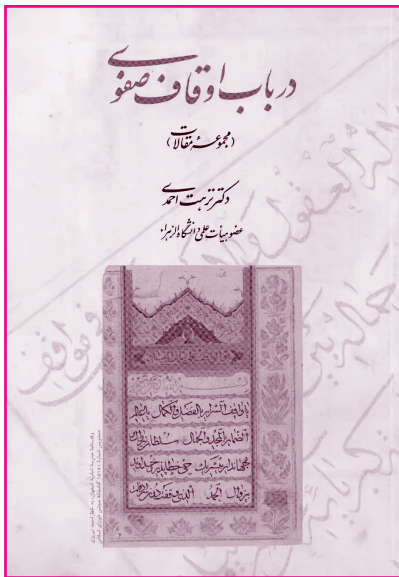
کلیدواژه ها:

وقف، موقوفات، آثار وقف، جایگاه وقف، عصر صفوی

مقاله چهارم تحت عنوان: «شیوه اداره مدارس بر اساس وقف‌نامه‌ها در دوره صفوی» تألیف شده است.^۲ در این باره در ابتدای مقاله آمده است: در خصوص شیوه اداره مدارس در منابع دوره صفوی کمتر ذکری به میان آمده است و حتی کتاب فرائد الفوائد در احوال مدارس و مساجد، که از عنوان انتظار می‌رود حاوی اطلاعات مفیدی در این مورد باشد، هیچ‌گونه اطلاع ارزشمندی در اختیار قرار نمی‌دهد. اگر اسناد وقف‌نامه‌ها نبودند، تنها منبع قابل اعتنا در این مورد، سفرنامه‌ها بود که مختصر اطلاعاتی در این باره ارائه کرده‌اند.

به هر حال وقف‌نامه‌های مدارس اگر چه به منظور دیگری تنظیم شده‌اند، اما تنها منبع معتبری هستند که در حین بیان شیوه مصرف درآمد موقوفه و بیان شرایط وقف، گاه مواردی از نحوه اداره مدارس، شیوه جذب طلاب، شرایط تحصیل و غیره نیز بیان کرده‌اند که این موارد می‌تواند ما را در شناسایی شیوه اداره مدارس رهنمون سازد.

از میان ۱۳۶ وقف‌نامه موجود از دوره صفویه که در بایگانی‌های اداره کل اوقاف اصفهان، اداره کل اوقاف کرمان، اداره کل اوقاف مشهد و بایگانی اداره اوقاف آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود، آنچه به مدارس تعلق داشته در این پژوهش



مورد استناد قرار گرفته است. همچنین از تعدادی از وقف‌نامه‌های مدارس که پیش از این توسط محققان به زیور طبع آراسته شده، با ذکر محل چاپ آنها، بهره گرفته شده است. به‌طور کلی، دو رکن اصلی هر مدرسه، آموزش‌دهنده

و آموزش‌گیرنده است. در اینجا سعی شده است تا براساس اطلاعات به‌دست آمده از وقف‌نامه‌ها، شرایط و جایگاه هر یک از آنان در مدرسه روشن شود؛ و از آنجا که این دو گروه برای انجام فعالیت‌های خود نیازمند به کتاب و کتابخانه هستند، اطلاعاتی را که وقف‌نامه‌ها در باب کتابخانه‌های مدارس در اختیار گذاشته‌اند، بیان شده است. همچنین در مورد شیوه اداره مدرسه و نیز تنظیم درآمدها و مخارج آن سخن گفته شده است.^۳

از دیگر مقالات کتاب در باب اوقاف صفوی، نوشته‌ای است با عنوان «چهار وقف‌نامه از مدارس دوره صفوی» که این چهار مدرسه عبارتند از: مدرسه جده کوچک، مدرسه جده بزرگ، مدرسه کاسه‌گران (حکیمیه) و مدرسه نیم‌آورد.

مؤلف علاوه بر ذکر ویژگی‌های وقف‌نامه هر کدام از مدارس مذکور، به متن وقف‌نامه آنان نیز اشاره داشته است و از جمله در برخی موارد دقیقاً رقبات و املاک وقف شده برای این

نهادهای آموزشی را ذکر کرده است. از جمله می‌توان مدرسه جده کوچک را مثال زد که دقیقاً دکاکین و اشتغالات آن زمان مغازه‌ها را نیز بیان کرده است. ضمن اینکه نوع مصارف عواید این موقوفات هم در برخی از متون وقف‌نامه‌ها ذکر شده است، بسیاری از این اسناد وقفی به‌ویژه اسناد مربوط به نهادهای آموزشی مهر بزرگان، علما و دانشمندان زمان خود را دارد. چنان‌که امور وقفی مدارس نیز تحت نظارت آنان قرار داشته است.^۴

تعامل نهاد روحانیت و نهاد وقف نیز از جمله مطالب مندرج در کتاب در باب اوقاف صفوی است. نویسنده پس از اظهار مطالبی در این موضوع نتیجه‌گیری کرده و چنین آورده است: می‌توان چنین استدلال کرد که نهاد وقف و رشد موقوفات در دوره صفویه باعث تکوین و تحکیم جایگاه سیاسی و اجتماعی روحانیت شیعه در این دوره شد؛ چرا که هم استقلال مالی آنان را تقویت کرد و در واقع آنان را از نفوذ حاکمیت رهانید؛ و هم آنان با به

دست گرفتن مشاغل سیاسی مهم مانند صدارت - که نظارت وسیعی بر اقدار مختلف روحانی و بالطبع بر مردم داشت - توانستند در جامعه جایگاه اجتماعی والایی کسب کنند و از این طریق نفوذ بیشتری را بر اداره موقوفات اعمال نمایند.

همچنین کثرت موقوفات به ویژه موقوفات مدارس، رفاهی برای مدرسان و طالبان علم فراهم کرد و آنان را تا حدی از دغدغه‌های طلب معاش رهانید؛ و این امر علاوه بر آنکه باعث جذب بیشتر جوانان با استعداد به تحصیل علوم دینی شد، این امکان را فراهم کرد تا آنان با فراغ بال به مطالعه و علم‌آموزی بپردازند که در نهایت پیشرفت علوم مذهب شیعه و نیز گسترش طبقه روحانی را به دنبال داشت.

یکی از مسائل قابل توجهی که در این اثر بدان پرداخته شده و در حقیقت هفتمین مقاله مجموعه را تشکیل می‌دهد، موضوع «تشیع و وقف در عصر صفوی» است که نمایانگر کارآیی

وقف در گسترش مذهب تشیع و نیز آموزش‌های شیعی و نهادهای آموزشی آن در عهد صفویان است.

نویسنده نیز با توجه به اهمیت وقف در تعمیم فرهنگ شیعی و کمبود تحقیقات در این زمینه مطالبی را آورده و در مقدمه مطالبی را ذکر کرده، می‌نویسد:

به طور کلی نهاد وقف و کارکردهای آن در جامعه از موضوعات مهمی است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این نهاد با در دست داشتن امکانات مالی بسیار و نیز دارا بودن صیغه مذهبی جایگاه ویژه‌ای در جامعه داشته و می‌توانسته تأثیرات دیرپا بر جامعه بگذارد. از این روی بررسی و پژوهش در مورد این نهاد و کارکردهای آن می‌تواند پژوهشگران را به شناخت دقیق و جامع‌تر تاریخی فرهنگی و اجتماعی رهنمون سازد.^۵

بنا بر شواهد و قراین تاریخی، از یک سو عصر صفویان از دوره‌هایی است که نهاد وقف در آن گسترش بسیار یافت و این گسترش خود بر

سایر جنبه‌های اجتماع تأثیری مستقیم یا غیرمستقیم گذاشت؛ و از دیگر سوی در این عصر شاهد رسمیت یافتن تشیع و سپس گسترش و رواج چشمگیر آن هستیم. از این روی این سؤال مطرح می‌شود که نهاد وقف بر گسترش تشیع در ایران چه تأثیری داشته است؟ و به دنبال این پرسش، فرضیه‌ی ارائه شده آن است که گسترش موقوفات خاص شیعه، بر روند گسترش تشیع در ایران تأثیر داشته است.

به هر حال پس از اینکه تشیع در ایران آیین رسمی شناخته شد، طبیعی بود که می‌بایست کوششی برای اشاعه آن صورت گیرد و البته این کار به انحاء مختلف انجام شد و در نهایت اکثریت جمعیت ایران به تشیع گرویدند. اگر بپذیریم که شاه اسماعیل دوم تلاشی برای بازگرداندن ایران به آیین تسنن کرد، باید نقش تشیع غالب را در سقوط او در نظر بگیریم.^۶

شواهد نشان می‌دهد که کلیه پادشاهان صفوی در اشاعه آیین اثنی‌عشری کوشا بوده‌اند و یکی از

راه‌های اشاعه، وقفیاتی بود که جنبه‌های تبلیغاتی برای این آیین را داشت. یعنی موقوفاتی که برای انجام مراسم مذهبی، تعلیم و تربیت داعیه‌داران مذهب و سایر مؤسسات مذهبی وقف شده بودند.

کارکرد این موقوفات با سیاست دینی حکام صفوی هماهنگ بود و خود آنان و عمالشان احتمالاً با توجه به این سیاست‌ها مبادرت به این گونه موقوفات می‌کردند، اما می‌توان تصور کرد که برخی از واقفان که تنها برای کسب ثواب اقدام به وقف می‌کردند، از تأثیرات جانبی آن بی‌اطلاع بودند.^۷ البته همه آنها مایل به اشاعه آیین تشیع بودند، ولی شاید از راهکارهای آن چندان اطلاع نداشتند و خود نمی‌دانستند که در روند گسترش تشیع در ایران چه گام‌های اساسی و مهمی برداشته‌اند. اگرچه تلویحاً و به‌عنوان یک آرزوی قلبی موقوفه خود را عاملی برای اشاعه اسلام می‌خواندند.^۸

البته مسأله ثبات سیاسی را نیز که در دوران صفویه پدید آمد نباید فراموش

کرد. این ثبات طولانی مدّت زمینه‌ای مناسب برای توسعه و گسترش بسیاری از نهادهای اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایجاد کرد که بدون آن تصور گسترش وقف محال به نظر می‌رسد. در سایه امنیت و آسایش این دوره بود که اقتصاد رونق گرفت، تجارت فعال شد و هنر و معماری شکوفا گشت و در نهایت در سایه همین آرامش بود که فرصتی برای امور فرهنگی و از جمله وقف اموال برای اشاعه آیین تشیع حاصل آمد که خود تقویتی عظیم از دولت صفوی بود..

این مدّعا با نگاهی به وقف‌نامه‌ها و تاریخ تراکم موقوفات به آسانی ثابت می‌شود. از لحاظ زمانی هر چه از دوره اولیه صفوی، که زمان کشورگشایی‌ها و معارضه با همسایگان خارجی و یاغیان داخلی است، فاصله می‌گیریم، بر تعداد موقوفات افزوده می‌شود؛ و در نهایت تراکم عمده وقف را در سال‌های پس از ۱۰۰۰ ق که دوران تحکیم و تثبیت است شاهد هستیم.

همچنین در تبیین این مطلب در مقاله

مذکور دو جدول تنظیم شده که تقریباً از اوائل دوره صفوی تا پایان آن، تعداد وقف‌نامه‌های هر دهه را نشان می‌دهد؛ و در جدول دیگر نیز جدول مصارف کلی وقف را عرضه می‌کند.^۹

از جمله موارد قابل ذکر این مقاله تأثیر موقوفات بر گسترش تشیع در ایران است که در آن به شیوه‌های شاهان و حاکمان آن دوره در این مسئله اشاره رفته است. مؤلف معتقد است صفویان سعی داشتند از راه‌های دیگری به جز زور حاکمیت خود را پابرجا بدارند. وی در این باره آورده است:^{۱۰}

شاید شاهان صفوی با آگاهی و درایت از این مسأله، خود از پیشگامان جایگزینی شیوه‌های فرهنگی به جای اعمال زور بودند. حدّ اقل می‌دانیم که آنان در وقف اموال خود برای امور فرهنگی - مذهبی نقش اول ایفا کردند. شاه عباس اول با سیاست بسیار هوشیارانه خود، که حتّی انگشتتری در دست خود را وقفی اعلام داشته بود،^{۱۱} خطوط فرهنگی - مذهبی کشور خود را به گونه‌ای روشن ترسیم کرد که نه

تنها تا پایان این خاندان، که هنوز هم تأثیرات آن در جامعه به‌خوبی آشکار است.

از وقف‌نامه‌های به‌دست آمده و گزارش‌هایی که در برخی کتب وجود دارد می‌توان چنین استنباط کرد که خاندان شاهی تلاشی معنی‌دار در وقف اموال جهت امور مذهب وجود داشته است. قاضی احمد قمی ضمن بیان حوادث سال ۹۶۹ ق که سال درگذشت شاهزاده مهین بانو ملقب به شاهزاده سلطانم، دختر کوچک شاه اسماعیل است، به ستایش رفتار پسندیده وی پرداخته و به موقوفات او برای «چهارده معصوم» نیز اشاره کرده است.^{۱۲} عبارتی که گاه در میان موقوفات دیده می‌شود و شاه‌عبّاس به چنین وقفی معروف است.

همچنین سیدحسین استرآبادی در کتاب از شیخ صفی تا شاه صفی از موقوفات مادر شاه اسماعیل دوم گزارش داده است.^{۱۳}

ادامهٔ تحصیل، رسیدن به مقامات عالی اداری و مذهبی، وصلت با

خاندان‌های برجسته، کسب اعتبار در جامعه، همه و همه در گرو پیروی از اعتقادات و باورهای مورد قبول جامعه بود که خط و خطوط آن نیز به‌روشنی از سوی حاکمان ترسیم شده بود. این بدان معنا نیست که جامعه در درون خود هیچ تنش را شاهد نیست و با سیاستی که درصدد یک‌سویه کردن آن است به مسیر دلخواه در حال حرکت است، بلکه در همین دوره تنش‌های بسیاری را میان گرایش‌های فکری تشیع شاهدیم.^{۱۴} تنش‌هایی که گاه در پی آن افرادی از سوی مخالفان خود به کفر و الحاد متهم شده‌اند، اما آنچه هست تنش‌ها، دیگر مانند دورهٔ آغاز این حکومت میان اهل تسنّن و تشیع نیست، بلکه بیشتر در درون جامعهٔ یکسان‌شدهٔ شیعی مذهب است.

از این مسأله شاید بتوان چنین نتیجه گرفت که تشیع به‌عنوان مذهب غالب توانسته است در تمامی سطوح جامعه نفوذ کند. اینجا این سؤال مطرح است که چگونه این نفوذ میسر شده است؟ احتمالاً اگر عوامل تبلیغات فرهنگی را

نادیده بگیریم یا بخواهیم از کنار آن به سادگی گذر کنیم دچار اشتباه شویم. به نظر می‌رسد کارسازترین عامل، که حتی بر کارآیی شمشیر قزلباشان شاه اسماعیل هم برتری داشت، همین عوامل فرهنگی است. این عوامل فرهنگی در طی حکومت صفویان بطور مرتب و مستمر با حمایت‌های خاندان شاهی و بزرگان دین و دولت در جامعه ایرانی تأثیرات خود را بر جای گذاشتند^{۱۵}.

موقوفات با کارکردهای فرهنگی - مذهبی خود یکی از کارسازترین راه‌های نفوذ فرهنگی را در جامعه فراهم ساختند. اگر به تنوع موقوفات توجه کنیم تقریباً در همه جنبه‌های گوناگون اثری از وقف را شاهد هستیم. مساجد، مدارس، حمام‌ها، آب‌انبارها، کاروانسراها، شفاخانه‌ها، سقاخانه‌ها، مزارات، دارالایتام‌ها، نوانخانه‌ها و غیره، همه و همه از یک سو جنبه‌هایی از وقف را در خود جای داده‌اند و از دیگر سو با زندگی روزمره مردم سر و کار دارند. هر کسی به هر کجا که

می‌رود و به هر سو که می‌نگرد نه تنها جنبه‌هایی از وقف و موقوفات را می‌بیند، بلکه آن را کاملاً احساس می‌کند، با آن خو می‌گیرد و سپس به آسانی جنبه‌های تبلیغی آن را بر خود می‌پذیرد.

جدولی نیز که بر اساس اسناد وقفی سه شهر اصفهان، کرمان و مشهد تنظیم شده است میزان موقوفات برای هر یک از موارد فوق را نشان می‌دهد^{۱۶}.

موارد متفرقه‌ای که در اینجا مورد نظر است عبارتند از: مورد وقف بر تعمیر حمام، یکی در اصفهان و دیگری در اسناد آستان قدس. ساخت و نگهداری سقاخانه، دو مورد در اسناد اصفهان و یک مورد در اسناد آستان قدس. سه مورد وقف بر خانقاه، دو مورد وقف بر فقرا، یک مورد وقف برای آزاد کردن برده، که در زمره اسناد اصفهان است. سه مورد وقف بر دارالشفاء و بیماران که دو سند در آستان قدس و یک سند در اصفهان موجود است؛ و مواردی مانند: وقف برای استنساخ کتب احادیث و تفاسیر، وقف برای کوک کردن ساعت

حرم امام رضا (ع)، وقف برای ساخت رباط، کاروانسرا، بقعه، پل و همچنین وقف جهت شربت‌خانه حرم امام رضا(ع)، از موارد نادری است که در این وقف‌نامه‌ها دیده شده است.^{۱۷}

اما به‌طور کلی با توجه به آمار نوع مصرف موقوفات این نتیجه به‌دست می‌آید که بیشترین موقوفات در جهت تبلیغات مذهبی قرار داشت. در مرحله اول وقف بر مزار امامان و امامزادگان (شصت مورد) بیشترین موقوفات را به‌خود اختصاص داده است. وقف جهت روشنایی، فرش و مرمت بناهای مذهبی با ۳۶ مورد پس از آن قرار دارد. وقف جهت مدارس (۲۴ مورد) پس از آن مهم‌ترین نوع مصرف موقوفات است. سپس وقف بر تعزیه‌داری و زوآر هر یک با ۱۴ مورد و وقف بر مساجد با ۱۲ مورد، همگی در زمینه اهداف مذهبی - تبلیغی قرار دارند، به‌طوری که با دیگر موقوفات نه از نظر تعداد و نه از نظر ارزش موقوفه قابل قیاس نیستند.^{۱۸}

از دیگر مسائل مطرح شده در این

مقاله یکی تأثیر نهاد آموزش دینی بر گسترش تشیع در ایران است و دیگری نقش تشیع در گسترش و جهت‌دهی به موقوفات، که در این مورد اخیر نویسنده بر این اعتقاد است که: رسمیت یافتن آیین تشیع در ایران دوره صفویه، در اندک مدتی توانست موقوفات را جهت دهد. در واقع در این دوره موقوفاتی که به مذهب شیعه اختصاص داشت رشد چشمگیری کرد.^{۱۹}

همچنین اعتقاد مؤلف بر آن است که: نهاد وقف سیاست شاهان صفوی را تقویت کرد و بر آن مهر تأیید زد و شاهان و دولتمردان صفوی نهاد وقف را استحکام بخشیدند و به آن عظمت دادند. در واقع نهاد وقف جزء جدانشدنی سیاست مذهبی این خاندان به حساب می‌آمد. سیاستی که دگرگونی‌های فرهنگی - مذهبی بسیاری را برای جامعه به‌ارمغان آورد. تأثیرات فرهنگی - مذهبی نهاد وقف در دوره صفوی به حدی عمیق و استوار بود که هنوز پس از چند قرن آثار آن به‌روشنی هویدا است.^{۲۰}

هشتمین مقاله این مجموعه مقالات (در باب اوقاف صفوی) تحت عنوان «کارکرد موقوفات در گسترش مراسم مذهبی دوره صفوی» است. مؤلف در تبیین موضوع در مقدمه مقاله مطالبی را بیان داشته و در خصوص محتوای عنوان آورده است:

شناخت آداب و مراسم مذهبی هر دوره تاریخی کمک بسیاری به شناخت تاریخ اجتماعی آن عصر می‌کند. از آنجایی که مراسم مذهبی یکی از تجلیات فرهنگ جامعه و بازتاب علایق و اندیشه‌های مذهبی مردم آن جامعه است، بررسی و پژوهش در این خصوص ما را به درک بهتر تاریخ اجتماعی رهنمون می‌سازد.

با توجه به آنکه جزئیات مراسم مذهبی و نحوه اجرای آن برای مورخان هر دوره امری بدیهی و شاید روزمره تلقی می‌شده است، کمتر می‌توان در منابع تاریخی نشانی از آن به دست آورد. بیشترین حجم اطلاعات ما از زمانی است که سیاحان خارجی دیده‌ها و شنیده‌های خود را برای گزارش به

مردم کشور خویش به رشته تحریر درآورده‌اند، اما اطلاعات آنان نیز تنها حول محور چگونگی برگزاری این مراسم و در واقع نماد بیرونی آن است و کمتر می‌توان اطلاعاتی از میزان هزینه تخصیص یافته به این مراسم و نیز دلایل توسعه و گسترش آن به دست آورد.

یکی از محدود منابع که اطلاعات ذی‌قیمتی در این خصوص به دست می‌دهد اسناد وقفی است که مستقیماً جهت وقف امور مذهبی از جمله برگزاری مراسم مذهبی یا زیارت اماکن متبرکه تنظیم شده‌اند.

از دوره صفویه که دوره پررونق وقف است اسناد وقفی بسیاری جهت امور مذهبی باقی مانده است که می‌توان با بررسی آنها اطلاعاتی در مورد مراسم مذهبی در این دوره و نیز جایگاه این مراسم در فرهنگ جامعه ایران آن روز به دست آورد.

در اینجا مراد ما از مراسم مذهبی کلیه مراسم مربوط به اعیاد مذهبی، مراسم عزاداری و سفرهای زیارتی است؛ و از آنجایی که توسعه بناهای مذهبی و

به‌ویژه توجه به ساخت و مرمت مزار امامان و امامزادگان با توسعه سفرهای زیارتی بی‌ارتباط نیست، به‌طور مختصر به این مورد نیز پرداخته شده است.

پژوهش مقاله مذکور براساس اسناد وقفی شهرهای اصفهان، کرمان و مشهد تنظیم گردیده است.^{۲۱}

مطالب مندرج در این نوشتار در باب مراسم و اعیاد مذهبی، حمایت موقوفات از مراسم عزاداری، افزایش سفرهای زیارتی با حمایت موقوفات، توسعه بناهای مذهبی تحت حمایت موقوفات، وقف بر تعمیر و مرمت بنا، وقف بر روشنایی، وقف برای خوشبو کردن اماکن، وقف بر خدام، وقف بر فرش، وقف بر تأسیسات جانبی، وقف بر سقاخانه حرم، وقف بر دارالشفاء، وقف بر اطعام زائران و وقف بر موارد استثنایی است.

به هر حال هرچه بر تعداد موقوفات افزوده شد، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم سهم اماکن مذهبی نیز افزایش یافت. مبالغ بسیاری هم که وضع و شریف بر اماکن مقدسه به‌ویژه عتبات عالیات

و مشهد امام ثامن علیه السلام وقف کرده‌اند، هم گویای میزان علاقه و توجه اقشار مختلف جامعه به این اماکن است و هم گویای ارزش‌های رایج زمان خود می‌باشد.

گسترش آداب و مراسم مذهبی خاص شیعه در جامعه دوره صفویه به گسترش آیین تشیع کمک بسیار نمود و در واقع یکی از راه‌های فرهنگی تبلیغ و ترویج فرهنگ تشیع در میان اقشار مختلف مردم همان اشاعه آداب و مراسم مذهبی بود که آن نیز به کمک موقوفات میسر شده بود. روضه‌خوانی که شاید زمانی نه‌چندان دور از این دوره نمی‌توانست به‌طور علنی برگزار شود، اینک جزو جدایی‌ناپذیر برنامه‌های تمام مراکز آموزشی شده و در واقع با زندگی روزمره مردم عجین شده بود. مراسم مذهبی با حرارت تمام در شهرهای مختلف کشور برگزار می‌شد که در نهایت تثبیت تشیع را به‌عنوان مذهب رسمی کشور به‌دنبال داشت.^{۲۲} تأثیرگذاری بانوان و نقش و اهمیت آنان در فرهنگ اسلامی به‌ویژه تشیع،

با رسمیت یافتن این مذهب در ایران و شهرهای آن در عهد صفوی محسوس و قابل توجه است که یک نمونه آن آثار موقوفه بسیاری است که از زنان آن دوره در شهرهایی چون اصفهان هنوز هم پابرجاست.^{۲۳}

مقاله نهم مقاله خانم دکتر نزهت احمدی در مجموعه مقالات در باب اوقاف صفوی تحت عنوان «زنان واقف در پایتخت صفوی» است. وی علاوه بر تنظیم جداولی که وقف‌نامه‌های بانوان اصفهان آن دوره را نشان می‌دهد، به زمان وقف، نام واقف و مصرف وقف نیز در آن اشاره داشته است. مؤلف در تبیین نقش زنان آن دوره در مسئله وقف و در اسناد آن آورده است:

مسئله زنان و نقش آنان در جامعه از موضوعاتی است که منابع متقدم غالباً از ذکر آن خودداری کرده‌اند و کمتر می‌توان در خصوص وضعیت زنان در جامعه سخنی در منابع یافت. حال اگر بخواهیم نقش زنان را در امر وقف در دوره صفویه بررسی کنیم، با مشکلی مضاعف روبرو خواهیم بود. از

این روی، این مقاله با محور قرار دادن اسناد وقفی سعی کرده تا به اطلاعات جدیدی در خصوص نقش و جایگاه زنان در گسترش وقف در دوره صفویه، دسترسی پیدا کند.

در مقاله حاضر، وقف‌نامه‌های موجود از بانوان دوره صفوی در شهر اصفهان را از میان سایر وقف‌نامه‌های این دوره جدا کرده‌ایم و بر آن بوده‌ایم که با جمع‌بندی آنها، اطلاعاتی در خصوص زنان واقف در اصفهان دوره صفوی به دست آوریم.

در اینکه اصفهان دوره صفوی شهری سرشار از موقوفات است، هیچ‌گونه شکی وجود ندارد، اما اینکه واقفان این موقوفات چه کسانی بودند و از وقف خود چه هدفی را دنبال می‌کردند، جای سخن بسیار دارد. در واقع هدف از این پژوهش مشخص کردن میزان مشارکت زنان در کارهای عام‌المنفعه در دوره صفویه با تکیه بر اسناد وقفی است.

می‌خواهیم روشن کنیم تا چه اندازه این زنان به مسائل اجتماعی علاقه‌مند

بودند و تا چه میزان برای شرکت در امور اجتماعی آزادی عمل داشته‌اند؟^{۲۴}. در اینجا با چند پرسش روبرو هستیم، ابتدا آنکه انگیزه‌های زنان از وقف اموال خود چه بوده است؟ آیا میان نوع مصرف موقوفات آنان با موقوفات مردان تفاوتی وجود دارد یا خیر؟ شمار

دارد. همچنین آنان در نوع وقف و توجه به امر وقف همان سیاست حاکم بر کل جامعه را دنبال کرده‌اند. به دیگر سخن، زنان علی‌رغم دور بودن از فعالیت‌های اجتماعی، خود را از جامعه جدا ندانسته و در امور عام‌المنفعه مشارکت فعال داشتند؛ و این مسأله خود گویای آشنایی آنان با سیاست‌های روز جامعه و احساس مسئولیت برای پیشبرد این سیاست‌ها بوده است.

ناگفته نماند که زنان در پی کسب مقبولیت در جامعه بوده‌اند و سعی داشته‌اند با وقف اموال، دعاگویان خود را افزایش داده، نامی نیک از خود به یادگار گذارند.^{۲۵}

از میان ۵۹ وقف‌نامه موجود در اداره کل اوقاف اصفهان که به دوره صفوی تعلق دارد، تعداد ۱۷ وقف‌نامه از بانوان این شهر باقی مانده است، یعنی در واقع واقف ۲۹٪ موقوفات اصفهان در دوره صفویه بانوان هستند. این رقم، بسیار قابل توجه است؛ چرا که نزدیک به یک سوم کل موقوفات را شامل می‌شود. مواردی که از سوی این



زنان واقف در چه سال‌هایی بیشتر است؟ و در نهایت، پایگاه اجتماعی این زنان چه بوده است؟ از نظر ما میان پایگاه اجتماعی و بالطبع توان مالی این زنان و توجه به وقف اموال رابطه‌ای معنی‌دار وجود

بانوان مورد توجه قرار گرفته عبارت است از وقف بر مدرسه (۶ مورد)، وقف بر اولاد (۳ مورد)، وقف بر حرم امامان و امامزادگان (۵ مورد) و وقف بر اشخاص و نیازمندان (۳ مورد)، البته متأسفانه منابع تاریخی کمتر سخنی در باب زنان و میزان فعالیت‌های اجتماعی آنان به میان آورده‌اند، از این رو به درستی نمی‌دانیم که در آن دوره تا چه حد زنان در امور اجتماعی فعالیت داشته‌اند.^{۲۶}

البته با اطمینان می‌توانیم اظهار کنیم که زنان و به‌ویژه زنان شهری - البته طبقه مرفه و متوسط^{۲۷} - دارای فعالیت اجتماعی نبودند. برخی از مشاغل مربوط به زنان هم که به نوعی همکاری زنان را طلب می‌کرد، یا به دست زنان اقلیت بود و یا زنان رده‌های پایین جامعه به آن می‌پرداختند؛ مانند مشاغلی چون پرستاری^{۲۸}، مشاطگی. اما با همه این حرف‌ها، زنان در امور جامعه - خواه پنهان و خواه آشکار - دستی داشتند و اعمال نفوذ می‌کردند.

در اسلام حقوق اقتصادی زنان و مالکیت آنان محترم شمرده شده است.

یعنی زنان صاحب و مالک دارایی خود هستند؛ خواه آن را به صورت مهریه به دست آورده باشند و خواه از پدر یا همسر به ارث برده باشند. حق خرید و فروش دارند و می‌توانند به میل خویش دارایی خود را خرج کنند، بدون آنکه لازم باشد برای خرج اموال خود جوابگوی کسی باشند. از این روی می‌بینیم زنان این دوره به‌ویژه زنان طبقه اشراف که از ثروت زیادی بهره‌مند هستند به وقف اموال جهت امور مختلف پرداخته‌اند. به درستی از انگیزه‌های واقعی آنان نمی‌توانیم بحث کنیم؛ همان‌گونه که از انگیزه واقعی مردان واقف نیز نمی‌توانیم سخنی به میان آوریم. در مورد هر دو گروه نیت‌های متفاوتی حد فاصل کسب ثواب اخروی تا کسب اعتبار دنیوی می‌تواند وجود داشته باشد، اما آنچه مسلم است آنان برای موارد مختلفی وقف کرده‌اند.

دهمین مقاله اختصاص به «دو بنای ماندگار از دو بانوی دربار» دارد که امروزه این دو بنا در بازار بزرگ

اصفهان و موسوم به مدرسه جده بزرگ و مدرسه جده کوچک است. این دو بنا هر دو مربوط به ایام سلطنت شاه عباس دوم صفوی است^{۲۹}. واقع شدن این دو مدرسه مهم عصر صفوی در بازار اصفهان علی‌رغم جنب و جوش اقتصادی درون بازار، از رونق علمی آن در عصر حاضر نیز نکاسته است. مؤلف مقاله نیز در نتیجه‌گیری به این مطلب اشاره کرده و آورده است:

از آنچه گفته شد می‌توان چنین نتیجه گرفت که عامل مکان می‌تواند در حفظ بنا مؤثر باشد؛ چنان‌که مدارس و حتی سایر بناهایی که در بازار قرار داشته‌اند بهتر از هم‌تایان خود در خارج از محدوده بازار از گزند حوادث مصون مانده‌اند. همچنین شخصیت واقف و اینکه در جامعه مورد بغض و کینه واقع نشده باشد می‌تواند تا حد زیادی بر تداوم بنای احداث شده بیفزاید.

می‌توان استدلال کرد که هرچه قیود و شروط درس گفتن و درس آموختن در مدارس دشوارتر بوده، امکان رها شدن مدرسه و نابودی آن نیز افزایش

یافته است.

کثرت اراضی، رقبات و مستغلاتی که بر بنایی وقف شده است، همچنین مصون ماندن خود این موقوفات و کاردهی و درآمدزایی آنها در بقای بنا نقش مهمی داشته‌اند و در واقع حیات بنا به آبادانی آنها وابسته بوده است. گرایش‌های فکری هر دوره تاریخی هم در نوع و کارکرد بناهای وقفی و نیز شروط واقفان تأثیرگذار بوده است^{۳۰}.

یازدهمین مقاله مندرج در کتاب در باب اوقاف صفوی ارائه متن دو وقف‌نامه و تکمله و حواشی آن است که تحت عنوان «دو وقف‌نامه از دو بانوی عصر صفوی» آمده است. این بانوان هر دو از خاندان‌های سلطنتی و بزرگان آن دوره بوده و زبیده بیگم و گوهرشاه خانم نام داشته‌اند. نویسنده مقاله در ابتدای مقاله به ذکر این مسأله پرداخته که: بازخوانی و چاپ اسناد می‌تواند تا حدی زمینه را برای پژوهش‌های تحلیلی فراهم نماید و محققان را حتی‌المقدور از مراجعه به اصل اسناد که غالباً چندان هم دسترسی به آنها آسان نیست و لازمه صرف وقت

بسیار است بی‌نیاز سازد. همچنین از آنجایی که غالباً محل نگهداری بیشتر این‌گونه اسناد چندان مناسب نیستند، بازخوانی و انتشار اسناد می‌تواند مانع نابودی کامل آنها شود.

آنچه در این قسمت از اثر آمده، بازخوانی وقف‌نامه‌ی این دو بانوی ایرانی است که نشان‌دهنده‌ی مطالب متعدد تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی است.

نکته‌ی جالب توجهی که وقف‌نامه‌ی گوهرشاد بیگم را از بیشتر وقف‌نامه‌ها جدا می‌سازد آن است که وی، تولید موقوفه را در صورت انقراض اولاد ذکور این خاندان به اولادِ اناث سپرده است. همچنین در پایان وقف‌نامه، واقفه با خط خود این جمله را نوشته است: «به قصد قربت وقف کردم و به تصرف وقف دادم، تغییردهنده به لعنت خدا گرفتار گردد».

این نمونه‌ی نادری از دستخط یک بانوی ایرانی در دوران صفوی است.^{۳۱} اما آخرین یا دوازدهمین مقاله از مجموعه مقالات در باب اوقاف

صفوی مقاله‌ی مختصری است تحت عنوان «نجات فرزند انگیزه‌ای برای وقف»، که تحلیلی است بر وقف‌نامه‌ی مادر شاه سلیمان صفوی. از مضمون این وقف‌نامه و از وقف‌نامه‌هایی از این قبیل که جهت نذر تنظیم شده می‌توان چنین نتیجه گرفت و گفت که: میان موقوفاتی که با انگیزه‌ی نذر صورت می‌پذیرد با آنچه تنها جنبه‌ی وقف دارد، دست‌کم یک تفاوت کلی وجود دارد و آن اینکه در نوع موقوفاتِ نذری، دیگر به باقی گذاشتن نام نیک و احیاناً درخواست ثواب اخروی توجهی نبوده، و عمل وقف تنها تضمینی بوده برای آنچه که در طی نذر درخواست شده است.^{۳۲}

می‌توان چنین استدلال کرد که واقفان از تأثیر کار خود بی‌اطلاع نبوده‌اند، اما گویا ادبیات وقف توضیح در مورد جزئیات انگیزه‌ی واقفان را بر نمی‌تافته و تنها با ذکر کلیاتی بدان پرداخته شده است. حذف نام این بانو احتمالاً به دلیل آن است که هدفش از وقف انجام نذر بوده نه باقی گذاشتن نام خود.^{۳۳}

نتیجه‌گیری، نقد و ارزیابی:

با توجه به ارائه موضوعات و نگرشی مختصر بر محتوای کتاب می‌توان دریافت که موقوفات در عصر صفوی به دلیل اهتمام سیاست‌مداران، بزرگان و علما و حتی عامه مردم انسجام و شکل بسیار خوبی یافت و نظامات خاصی برای آن تعریف شد. اعتقادات و تفکر عمومی چون بر اساس مذهب، به‌ویژه تشیع اثنی‌عشری بنیان یافته بود، باعث رونق وقف و امکانات عام‌المنفعه بسیار گردید. مدارس کوچک و بزرگ بر همین اساس بنیان یافت و آثار و تألیفات فراوان به‌وجود آمد و حاصل آن پرورش و رشد عالمان و اندیشمندان به‌ویژه در عرصه دانش‌های مذهبی گردید.

علاوه بر بزرگان و پادشاهان و یا صاحب‌منصبان، سایر اقشار و اصناف نیز در عرصه وقف حضور قابل توجه و محسوسی داشتند و در حقیقت در بسیاری از موارد نقش وقف در کمک و یاری و تعاون محسوس بود. در این صحنه کوچک و بزرگ و زن و

مرد نقش داشتند که قطعاً با استناد به مضامین دینی آیات و روایات این مسأله توسعه بیشتری داشت.

امید است با توجه به وسعت موضوعات مربوط به وقف در عرصه پژوهش بتوانیم از تحقیقات بیشتری بهره‌مند شویم، هرچند که دوران صفوی دوره‌ای بسیار مبرز خصوصاً در مورد اموری مانند وقف است، لیکن پژوهش‌هایی از این دست، چه در مورد این سلسله و یا دوران‌های قبل و بعد از آن می‌تواند زمینه‌ای را برای تألیف کتاب‌هایی درباره تاریخ وقف در ایران فراهم کند.

برخی نکات که به عنوان نقد و پیشنهاد در باب کتاب به نظر رسید عبارتند از:

۱. علی‌رغم اینکه در مقالات، ابعاد مختلف موضوعات وقف در نظر گرفته شده است، اما اگر برخی شهرهای مهم و مؤثر در سلسله صفوی به‌ویژه دوران اول عصر صفوی در قرن دهم هجری هم مورد توجه بیشتر قرار می‌گرفت بهتر بود؛ شهرهایی مانند:

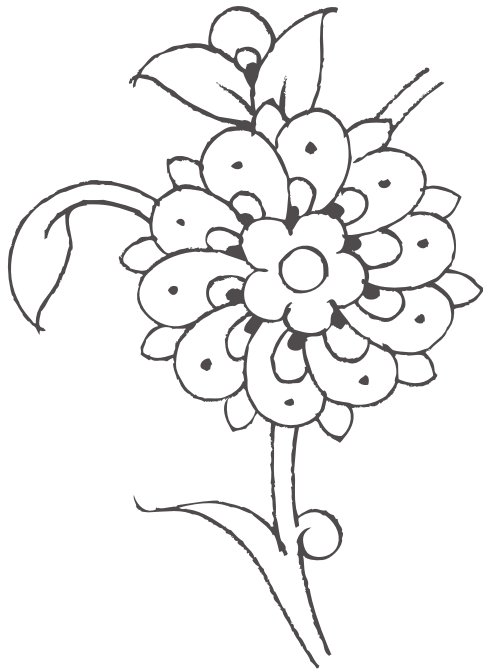
اردبیل، تبریز و قزوین.

مؤسسات عام المنفعه و یا مرتبط با موضوع می توانست به کتاب تنوعی بیشتر ببخشد که در اثر مذکور بدان توجه نشده است.

۲. وقفیات مربوط به عصر صفوی به ویژه بانوان ایران و شهرهایی مانند اصفهان در این دوره کم نبوده، و علاوه بر مدارس در مکان های دیگر و مؤسسات متعدد آن و یا مکان هایی مانند عتبات، آستان قدس و امامزاده های شهرهایی مانند اصفهان مثل امامزاده اسماعیل مورد توجه بوده است، که از این قبیل مطالب در اثر کم رنگ دیده می شود.

۳. میزان وقفیات برخی نهادهای آموزشی عصر صفوی بسیار جالب و قابل توجه بوده و وقف نامه های آن دارای نکاتی ویژه و قابل اعتنا بوده است؛ مانند مدرسه چهارباغ اصفهان، که نویسنده محترم می توانست با استناد به اسناد موجود در باب این گونه نهادهای آموزشی، به طور گسترده به آن بپردازد.

۴. درج تصاویری از اسناد وقف و مرتبط با موضوعات مندرج در کتاب و یا عکس هایی از برخی از مکان ها از جمله مساجد، مدارس و یا سایر



پی نوشت

۱. مدرس دانشگاه، مسؤول پژوهشی مرکز «اصفهان‌شناسی و خانه ملل» و دانشجوی دکتری تاریخ اسلام در دانشگاه اصفهان
۲. این مقاله در صفحات ۶۵ تا ۱۲۷ کتاب در باب اوقاف صفوی درج شده است.
۳. در باب اوقاف صفوی (مجموعه مقالات)، ص ۶۵ و ۶۶.
۴. ر.ک: همان، ص ۸۵-۱۲۷.
۵. همان، ص ۱۳۸.
۶. حسن‌بیک روملو در این باره می‌نویسد: «حکم نمود که هیچ کس املاک نخرد و قضاة قبالة ننویسند و سیورغال سادات و علماء را قطع نمود و اراده داشت که مردم را به مذهب شافعی در آورد. بنابر آن لشکر قزلباش از وی متنفر شد» (احسن التواریخ، ص ۶۴۷).
۷. برای انجام عمل وقف انگیزه‌های متفاوتی وجود دارد. کسب ثواب اخروی، مقبولیت نزد عامه و یافتن اعتبار دنیوی، مصون نگه داشتن اموال از مصادره، نجات اموال از تکه‌تکه شدن و غیره، همه می‌تواند از انگیزه‌های واقفان برای انجام عمل وقف باشد.
۸. برای اطلاع بیشتر، به اسناد وقفی این دوره که در مقاله حاضر مورد استفاده قرار گرفته است، رجوع شود.
۹. ر.ک: در باب اوقاف صفوی، ص ۱۴۲ و ۱۴۳.
۱۰. ر.ک: همان، ص ۱۴۳-۱۴۶.
۱۱. عالم‌آرای عباسی، ج ۲، ص ۲۵۰.
۱۲. تأکید بر وقف جهت چهارده معصوم گاه در میان موقوفات دیده می‌شود. شاه‌عباس به چنین وقفی معروف است. همچنین نویسنده کتاب القاب و مواجب در دوره سلاطین صفویه، اشاره‌ای به منصب وزیر چهارده معصوم دارد، خلاصه التواریخ، ص ۴۳۰-۴۳۱.
۱۳. از شیخ صفی تا شاه صفی، ص ۱۶۰.
۱۴. ر.ک: مقاله «رویاری فی فقیهان و صوفیان در دوره صفوی» در کتاب صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج ۲، ص ۵۱۵-۶۰۴.
۱۵. در باب اوقاف صفوی (مجموعه مقالات)، ص ۱۴۵ و ۱۴۶.
۱۶. همان، ص ۱۴۷.
۱۷. همان، ص ۱۴۷ و ۱۴۸.
۱۸. همان، ص ۱۴۸.
۱۹. همان، ص ۱۵۰.
۲۰. همان، ص ۱۵۳.
۲۱. همان، ص ۱۵۵ و ۱۵۶.
۲۲. همان، ص ۱۷۱.
۲۳. ر.ک: کتاب مشاهیر زنان اصفهان از محمدحسین ریاحی؛ و نیز مقاله «موقوفات ماندگار بانوان از اصفهان عصر صفوی» از نامبرده، مندرج در میراث جاویدان، شماره هفتاد و یکم.
۲۴. در باب اوقاف صفوی (مجموعه مقالات)، ص ۱۷۳.
۲۵. همان، ص ۱۷۳ و ۱۷۴.
۲۶. ر.ک: همان، ص ۱۷۴-۱۸۲.

۲۷. زنان طبقات کم درآمد غالباً کارهای درآمدزایی مانند کارهای دستی را در خانه انجام می‌دادند و زنان روستایی نیز علاوه بر کارهای دستی، در کارهای مختلف از جمله کشاورزی و دامداری نیز مشارکت داشتند.

۲۸. بنا به موقوفه‌ای که به تاریخ ۱۰۶۵ ق بر دارالشفای امام رضا علیه السلام وقف شده است، واقف ضمن موقوفاتی که برای دارالشفاء تعیین کرده است، مقرر داشته تا از محل درآمد موقوفه، «موجب یک جراح و چهار خادم، یکی مؤنث و سه مذکر»، پرداخته شود. البته اطلاعات بیشتری نداده است. یعنی مشخص نکرده که وظیفه این زن پرستار تنها رسیدگی به بیماران زن است یا برای همه بیماران. ر.ک: وقف‌نامه شماره ۱۲ - براساس دفتر بازخوانی شده اسناد وقفی - بایگانی اداره اوقاف آستان قدس رضوی.

۲۹. ر.ک: مشاهیر زنان اصفهان، ص ۱۶۶ و ۱۶۷ (این اثر تألیف نگارنده این سطور است که اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان در سال ۱۳۷۵ به چاپ رساند).

۳۰. در باب اوقاف صفوی (مجموعه مقالات)، ص ۱۹۸.

۳۱. در باب اوقاف صفوی (مجموعه مقالات)، ص ۲۰۲ و ۲۰۳.

۳۲. همان، ص ۲۳۱.

۳۳. همان.